

سیاست‌گذاری امنیتی بر مبنای الگوی امنیت پایدار در جمهوری

اسلامی ایران

مرتضی نورمحمدی^۱، مهدی داودی^۲، مصطفی لطفی^۳

چکیده

در این مقاله، ارتباط مفهوم تعادل اجتماعی و امنیت ملی پایدار در جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است. پرسش اساسی این است که در سیاست‌گذاری امنیتی کشور، امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی ایران چگونه قابل دستیابی است؟ در این مسیر ما معتقد به الگوی بومی در ارتباط با امنیت می‌باشیم و در این نگاه بومی که همان نگاه اسلامی ایرانی می‌باشد، بررسی مبانی امنیت را ضروری می‌دانیم. الگویی که با در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی، دینی و هویتی شکل گرفته و زمینه ساز دستیابی به همه ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف ملی باشد. در نهایت در پاسخ به سؤال اصلی، الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران را الگوی تعادل محور می‌داند که گزاره‌های اصلی آن از مکتب امنیتی اسلام به عنوان ایدئولوژی اصلی در جمهوری اسلامی گرفته شده است که ایمان به توحید در کانون این الگو قرار دارد و تربیت دینی راهبرد اصلی آن می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری امنیتی، امنیت پایدار، توحید، تربیت، تعادل اجتماعی، الگوی بومی

مقدمه

امنیت یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمامی جوامع بشری است و رسیدن به «وضعیت امن»^۴ اولویت نخست برای تمامی جوامع سیاسی بوده است که به عنوان هدف و وسیله مطرح و عامل دوام زندگی اجتماعی می‌باشد. اساساً کسی یافت نمی‌شود که منکر

^۱ عضو هیئت علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی - سیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران

^۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

^۴ Secure- situation

این اصل اساسی ضروری برای حیات بشر در عرصه فردی، اجتماعی و همچنین ملی و بین‌المللی باشد و «شاید زندگی امن نخستین تمنای بشر بوده است؛ چرا که عالی‌ترین درخواست‌های بشر در پر تو مفهوم امنیت، حاصل می‌آید» (مطهر نیا، ۱۳۸۴: ۱۲)

بنابراین به طور کلی امنیت کالایی است که همه ابنای بشر و اعضا هر جامعه سعی دارند آن را به دست آورند. می‌توان گفت هیچ عنصری برای پیشرفت بشر و تکامل یک جامعه مهم‌تر از مفهوم امنیت نبوده است و امنیت به لحاظ نقشی که در زندگی اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند از مهم‌ترین پارادایم‌های روز دنیا می‌باشد و از اینرو با تکوین دولت‌های ملی انسان معطوف به مقوله تازه‌ای به نام «امنیت ملی»^۵ می‌شود. با توجه به این مفهوم تازه، امنیت در چهارچوب مرزهای ملی تعریف می‌شود. این روزگار نو برآمده از «کنگره و ستفالی» است که بالاترین اقتدار از آن واحدهای ملی کشورهاست و تلاش در جهت حفظ امنیت ملی و گسترش آن یکی از مهم‌ترین هدف‌ها آن‌ها، و پایه اصلی سیاست دولت – ملت‌ها می‌باشد (نصری، ۱۳۸۴ : ۳۳۶-۳۱۱). در این حالت امنیت به عنوان مهم‌ترین کالا، سیاست‌گذاری و تأمین آن مأموریت اصلی دولت‌ها می‌شود. اینکه چگونه دولت‌ها باید به این خواسته و وظیفه خود جامع عمل بپوشانند، مطالعات و پژوهش‌های گسترده و ژرفی انجام و مراکز و مؤسساتی مستقیم و غیر مستقیم به کند و کاو در موضوع امنیت و سیاست‌گذاری چگونگی دستیابی به آن پرداخته‌اند. در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز مفهوم جدید «پایدار»^۶ در روند تحولات جهانی در ارتباط با مفهوم امنیت مطرح شد که سرفصل دیگری برای پژوهش در این موضوع را ایجاد نمود که تأکید بر آن بود که امنیت در جهان کنونی باید در چهارچوب مؤلفه‌های پایدار تعریف شود.

بنابراین در جهان معاصر آنچه در ارتباط با امنیت از اهمیت بسزایی برخوردار است «امنیت پایدار»^۷ یا «امنیت ملی پایدار» است که دولت به عنوان کارگزار اصلی تأمین امنیت باید در سیاست‌گذاری به این موضوع توجه ویژه داشته باشد، در این بین این موضوع مطرح می‌شود که وقتی از امنیت پایدار صحبت می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟ و این وصف پایداری در ارتباط با امنیت چیست؟ که امروزه همه استراتژی‌های امنیتی، سیاست‌گذاری‌های امنیتی که نظریه‌پردازان طراحی و سیاست‌مداران اجرا می‌کنند یک دغدغه مهم آن‌ها این

² National security

³ Stable

⁴Sustainable Security

است که امنیت دارای وصف پایدار باشد. در تعریف اولیه، امنیت پایدار در مقابل مقطعی و گذرا تعریف می‌شود؛ و جامعه ای را می‌توان امن نامید که از امنیت پایدار برخوردار باشد. بنابراین با توجه به اهمیت مفهوم پایدار، هر کدام از مکاتب و نظریه‌های امنیتی به طور مستقیم و غیر مستقیم با این موضوع پرداخته‌اند، و ویژگی و الگوی خاصی را در ارتباط با مفهوم امنیت پایدار در نظر گرفته‌اند. تعدادی از این مکاتب و نظریه‌ها بر و مؤلفه قدرت تاکید داشته و امنیت پایدار را با قدرت برابر دانسته، و الگوی مفهومی پیشنهادی آن‌ها قدرت محور می‌باشد. یا مکاتبی که در مطالعات فراسنتی قرار دارند با اولویت به توسعه و تاکید بر ابعاد امنیت، به ارائه الگوی خاص خود پرداخته‌اند. مطالعات مدرن نیز که به جنبه های اجتماعی امنیت توجه خاصی داشته است که هویت در کانون آن قرار دارد و امنیت پایدار را با توجه به این مفهوم چهارچوب بندی می‌کند.

بنابراین تأمین امنیت با وصف پایداری دغدغه اصلی تمام نظام‌های سیاسی است که با توجه به شرایط خود در جهت آن اقدام می‌کنند. بدیهی است برای نظامی همچون جمهوری اسلامی ایران که متأثر از انقلاب اسلامی و منادی ارزش‌ها و آرمان‌های خویش است آگاهی از چگونگی، و تلاش برای فراهم ساختن تمهیدات ضروری برای تأمین امنیت پایدار ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد. هرچند بعد از انقلاب اسلامی گفتمان‌ها و یا رویکردهای مختلفی در مورد الگوی سیاست‌گذاری امنیتی ایران از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است، ولی این امر بدون در نظر گرفتن آموزه‌های دینی و فرهنگ بومی امکان پذیر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، باید ضمن نگرش مجدد به میراث اسلامی، روایت نوینی از مفهوم و مؤلفه‌های امنیت تدارک نمود. بنابراین محور اساسی مقاله حاضر، پژوهش درباره شناسایی الگوی متناسب و چگونگی ایجاد امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و در صدد پاسخ به این سوال می‌باشد که الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ از اینرو فرض مقاله بر این می‌باشد که الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران، الگوی تعادل محور است. بنابراین با توجه به این مقدمه، الگوی پیشنهادی ما برای این زمینه اجتماعی با این ویژگی‌های خاص مفهوم امنیت، الگوی اسلامی - ایرانی یا همان تعادل محور می‌باشد که ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد و با توجه به این مفهوم دینی در این زمینه است که تعادل و به واسطه آن امنیت پایدار می‌شود.

برداشت جدید از مفهوم امنیت

امنیت دارای مفهوم سهل و ممتنع است. بعضی از دانشمندان، تنها به یک «نوع» از امنیت و عده‌ای دیگر، به یک «بعد» آن توجهی ویژه مبذول داشته، از سایر وجوه، انواع و ابعاد امنیت غافل شده‌اند که این امر از آثار ابهام‌انگیز مفهوم امنیت محسوب می‌شود (Dennis Wrong, 1994: 202-204). این گستردگی، در چهار گونه اصلی قابل شناسایی است. اول اینکه، مفهوم امنیت از امنیت دولتها به امنیت گروهها و افراد توسعه یافته است. این روند انتقالی رو به پایین از دولتها به افراد است. ثانیاً، مفهوم امنیت از امنیت دولتها به امنیت سیستم بین الملل و یا محیط مادی مافوق ملیت‌ها تغییر نموده است. این توسعه ای روبه بالا از ملت‌ها به سمت زیست کره است. این گستردگی در هر دو مورد، متضمن توسعه انواعی از نهادهاست که تضمین‌کننده امنیت می‌باشند. در مورد سوم، مفهوم امنیت به شیوه ای افقی و یا گونه ای از امنیت که متنوع است، گسترش یافته است.

امنیت در نگاه سنتی، متأثر از پنداشت سلبی بوده و تنها راه‌هایی، اعمال خشونت و کاربست قوای قهریه است. در نگاه مدرن، این رویکرد سلبی به نگرش ایجابی و چندبعدی تغییر کرد. چنین نگرشی، نتیجه منطقی تشکیل دولتهای مدرن بر اساس مفهوم حاکمیت است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته‌اند. حاکمیت، به عنوان مهمترین مفهوم و محور اساسی نظریه دولت مدرن، دلالت بر حق انحصاری دولت برای استفاده از زور یا قدرت مشروع دارد که از یک سو ناظر بر کسب قدرت و توانمندی داخلی و از سوی دیگر، ناظر بر کسب استقلال و اقتدار بین المللی است. بنابراین، در عرصه داخلی و در عرصه جهانی، امنیت دولت مدرن، زمانی معنا می‌یابد که قدرت برتر باشد و حتی اگر با نبود تهدید مواجه شود، جامعه ای ناامن به حساب می‌آید. در عین حال، مطالعات سنتی امنیت محدود به درک تهدید، کاربرد و کنترل نیروی نظامی است. در این دیدگاه، امنیت به منزله امنیت کشور است که نیروی نظامی کشور دیگر آن را تهدید می‌کند و ارتش کشور مورد تهدید نیز دفاع از آن را بر عهده دارد. در گفتمان مدرن امنیت ملی، شاهد افزوده شدن وجه نرم افزاری امنیت، علاوه بر وجه سخت افزاری آن هستیم. با رسیدن به نقطه اوج ناامنی در نتیجه حاکمیت نگرش سلبی، مفهوم مدرن امنیت ملی شکل گرفت که مبتنی بر جنبه ایجابی و تأسیسی آن بود. در گفتمان امنیت ملی

پایدار، با پذیرش متکثر و گسترده بودن گزاره‌های چالش ساز و همچنین، وجوه نرم افزاری امنیت که در رویکرد متأخر (مدرن) مطرح است، بر نقش و محوریت عامل اجتماع، برای نیل به مراتب بالاتری از ثبات تأکید می‌شود. چنانکه مک لارن^۸ معتقد است پایداری به عنوان توصیف کننده یک حالت مطلوب یا مجموعه‌ای از وضعیت‌های مقاوم در طول زمان است (Maclaren, 1996: 185) افراد و گروه‌ها در رویکرد مذکور از جایگاه و نقش برجسته‌ای برخوردارند و امنیت در چارچوب رضایت مندی قابل حصول است. از این منظر، مؤلفه‌هایی که در برقراری امنیت مدنظر قرار می‌گیرد، تا حدی متفاوت از موارد پیشین است. از مهمترین مواردی که در این زمینه بدان تأکید می‌شود، اعتماد است که مشروعیت و جامعه‌پذیری سیاسی را به همراه خواهد داشت.

الگوهای رایج امنیت پایدار

با توجه به نظریات گوناگونی که در حوزه امنیت وجود دارد، درون هر کدام از این مکاتب و نظریات ویژگی پایداری امنیت با نظر به مؤلفه‌های کلیدی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی به طریق خاص تعریف و عملیاتی می‌شود. در این بین به صورت کلی می‌توان الگوهای موجود امنیت پایدار برآمده از این نظریات را در سه الگوی «قدرت محور» «تناسب محور» «انسجام محور» تقسیم کرد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

الگوی قدرت محور

گروهی از نظریه‌پردازان علم سیاست، امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور مساوی دانسته‌اند. بنابراین بازیگر سیاسی که در پی برخورداری از وضعیت امن و به ویژه امنیت پایدار می‌باشد لاجرم باید بر اصل افزایش قدرت و مهم‌تر از همه بر قدرت نظامی همت گمارد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۵۶). دولت‌ها باید در مقام تجمع قدرت برآمده و به این وسیله توان خود را در کاربرد زور و قدرت تا حد امکان افزایش دهند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۵۹). فردیک شوومن^۹ نیز با عنایت به همین وجه است که امنیت را از منظر واقع‌گرایانه چنین تعریف می‌کند: «هر ملت- کشوری ضرورتاً در پی آن خواهد بود تا با اتکا به قدرت خود، افزایش آن در قیاس با قدرت همسایگانش، اطمینان و امنیت را به ارمغان آورد».

^۸ Maclaren

^۹ Frederic Schuam

(Schuam, 1954: 5-6). همچنان است که هانس مورگنتا سیاست و امنیت را عرصه مبارزه برای قدرت تعریف می‌کند و از قدرت به مثابه هدف و هم ابزار یاد می‌نماید (Morgenthau, 1958: 25-26). لذا در این حالت امنیت معنایی مترادف با قدرت پیدا می‌کند. از اینرو در این الگو مفهوم قدرت نوعی سامان ذهنی و اثرگذاری فیزیکی است که از توانایی تغییر رفتار آغاز می‌شود رویکرد غالب در باب آن عموماً سخت و نظامی می‌باشد. مهم‌ترین اصول حاکم بر این الگو در ارتباط با قدرت و امنیت به اندیشه تلقی سلبی از امنیت باز می‌گردد بدین معنا که امنیت در برداشت نهایی در نبود تهدید فهم می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۷). اما معضلات امنیتی که در عصر نوین بعد از جنگ سرد ایجاد شد؛ تحولاتی را در منابع قدرت به وجود آورد که مفهوم و نحوه تأمین امنیت و حفظ آن نیز با توجه به این تحولات دگرگون شد. در این دوره دنیا شاهد فروپاشی و سقوط نظام‌های بود که به ظاهر از لحاظ توان و قدرت به ویژه سخت و نظامی چنین آینده‌ای برای امنیت آن‌ها از لحاظ پایدار بودن پیش بینی نمی‌شد. این مسائل باعث شد این الگوی تاریخی برای حل مسائل امنیتی به ویژه ایجاد امنیت پایدار به عنوان یک الگوی امنیتی برای جوامع با چالش‌ها و نارسایی‌ها و انتقاداتی مواجه شود. مکاتب و نظریه‌های گوناگونی از زوایای مختلف به انتقاد و رد الگوی قدرت – محور پرداخته‌اند. تأکید اصلی بر این موضوع است، که امنیت صرفاً تابع قدرت نیست و امنیت فراتر آن و متفاوت با تهدید و قدرت است.

الگوی تناسب محور

دومین الگودر حوزه امنیت پایدار الگوی تناسب محور می‌باشد. این الگو ریشه در مطالعات فراسنتی دارد و بر تعدد ابعاد امنیتی تأکید می‌کند. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این الگو در مورد پایداری امنیت مورد توجه است، مفهوم تناسب بین ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری امنیت است؛ و امنیت پایدار با مفهوم تناسب در این ابعاد امنیت تعریف می‌شود.

در دهه ۱۹۶۰ در کشاکش جنگ سرد، طرح ایده امنیت مساوی است با توسعه، از سوی کندی و مشاور امنیت ملی‌اش "مک‌نا‌ما را"، دریچه جدیدی را در مباحث مربوط به ابعاد امنیت ملی گشود (عندلیب، ۱۳۹۰: ۳۴)، که به طور عمده بر مقوله اقتصادی و غیر

¹⁰ McNamara

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خرداو، ۱۳۹۳

استراتژیک (نظامی) مبتنی بود از این پس، تهدیدات امنیتی نه فقط تهدیدات نظامی و آن هم از نوع خارجی، بلکه در کنار آن، تهدیدات سیاسی و اقتصادی که عمدتاً از سوی نیروهای داخلی، مشروعیت و کارآمدی نظام‌ها را نشانه رفته بودند، مهم تلقی شدند (عندلیب، ۱۳۹۰: ۸۹). در مجموع، حاصل تلاش پیگیرانه این گروه از اندیشه‌گران، سیمای نسبتاً جامعی از امنیت می‌باشد که در آن ابعاد متفاوتی چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی، فضایی، فنی تکنولوژیک و نظامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، توأمان مدنظر هستند. ویژگی بارز امنیت ملی در این دوران آن است، که از آن به مثابه «پروژه ای باز»^{۱۱} یاد می‌شود که با گذشت زمان به تنوع و تعدد ابعاد آن افزوده می‌گردد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸-۱۸).

چنین برداشتی از ابعاد امنیت ملی در این الگو به وضوح آشکار می‌کند، کشوری دارای امنیت ملی است، که در وضعیتی قرار داشته باشد که در آن به صورت نسبی یا کامل از تهدیدات احتمالی نظامی، سیاسی و یا اقتصادی و سایر ابعاد دیگر به دور باشد. این موضوع نشان می‌دهد امنیت نیز در درون این الگو به صورت سلبی و نبود تهدید معنا می‌شود، ولی تهدید فقط به شکل نظامی آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ابعاد مانند اقتصادی، سیاسی و غیره از تهدیدات مهم و بسیار دغدغه آفرین شناخته می‌شوند. در این الگو، محصول ترکیبی مزبور، در مفهوم تناسب، «امنیت پایدار» نامیده می‌شود؛ و توسعه پایدار، مقدمه واجب امنیت پایدار است که در این حالت امنیت پایدار مستلزم توجه به تمامی وجوه امنیت است (D.Klaus, 2000 : 25-30).

بنابراین در این الگو، توسعه محور اصلی پایداری می‌باشد. اما توجه به ابعاد امنیت در این الگو به لحاظ دیدگاه سلبی و تهدید محور، با چالش جدی مواجه شده است. در پایان قرن بیستم، طیف جدید نیازمندی‌های انسان معاصر در عصر پسا مادی‌گرایی^{۱۲} و ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی (که با مقوله فرهنگ و سیاست فرهنگی قابل تبیین هستند)، حاکمیت اندیشه‌های پست مدرن، جهانی اندیشیدن سوژه‌ای محلی، گواهی بر زوال و ناکارآمدی تدابیر سلبی و دولت محور می‌باشند (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۵۶-۳۱) و تاکید بر مفهوم تناسب در این الگو کمبود انسجام و پیوستگی منطقی لازم در زمینه اولویت

¹¹ Open projet
1. Post Materialism

بندی‌های مؤلفه‌های مؤثر بر سطح بومی، ایجاد امنیت را به همراه دارد. در این حالت ممکن است، تناسب شکل گرفته از تعادل برخوردار نباشد.

الگوی انسجام محور

سومین الگوی امنیت پایدار که بیشتر در دنیای معاصر با نسل موج مدرن امنیتی آغاز می‌شود، تأکیدش بر بحث همگنی یا انسجام می‌باشد. در واقع در این دیدگاه امنیت کل واحدی نیست، بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت سازی بتوانیم بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کنیم. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و با فراتر رفتن مفهوم امنیت از بعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بعد ذهنی به ویژه هویت و تأکید بر زمینه‌وند بودن است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۸۱). در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند. بنابراین موضوعی که دارای اهمیت است، به تناسب هویت کار کردن و همگن با هویت اقدام کردن است واز اینرو اگر فرهنگ ما در قیاس با نظامی‌گری ما رشد کند این تناسب است اما اگر این دو بتوانند در هویتی مشابه هم رشد کنند و در این هویت باز تولید شوند یعنی از درون فرهنگ، نظامی‌گری و قدرت محوری به وجود آید. این امر زمینه ساز شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی خواهد شد که هویت عامل انسجام‌دهنده و پایدارکننده آن خواهد بود. نتیجه این که امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن باز تولید اجتماعی مفهوم امنیت است. می‌توان مصادیق این الگو را در عصر حاضر در مکتب کپنهاک در قالب امنیت اجتماعی و اصطلاح «امنیت اجتماعی شده» مشاهده نمود.

پیش از ۱۹۹۰ تعریف و تبیین حوزه‌ای مختلف اجتماعی بر عهد دولت بود. اما فرآیندهایی چون دمکراتیزاسیون^{۱۳}، حقوق شهروندی، جهانی شدن^{۱۴} و مشروعیت قانونی، فضایی فراهم کرد که طی آن وزن جامعه در ترسیم و ارزیابی حرکت‌های دولت افزایش

¹³ Democratization

¹⁴ Globalization

یافت. این امر به قدرتمند شدن جامعه و در نتیجه محدود گشتن دولت در اعمال محدودیت‌های سابق بر جامعه و بالاخره قوت یافتن فرآیندهای اجتماعی در مقابل تصمیمات سیاسی انجامید. از سوی دیگر بخش مهمی از ابزارهای انحصاری دولت در اعمال خشونت و مهندسی اجتماعی، کم اثر شده و یا در اختیار شهروندان و گروه‌هایی قرار گرفته است که بیش از هر چیز به نگرهبانی هویت خویش می‌اندیشند. بدین ترتیب در پی دسترسی جامعه به آگاهی و ابزارهای جدید قدرت، رضایت اجتماعی به اصلی‌ترین عنصر مشروعیت بخش، دولت‌ها تبدیل شد (نصری، ۱۳۸۴: ۳۳۶-۳۱۱).

بنابراین انسجام محوری یکی از الگوهای امنیت پایدار است که به دلیل گستردگی و توسعه حوزه امنیت در جامعه ضرورت یافته است. نمی‌توانیم امنیت را صرفاً با الگوهای و رویکردهای امنیتی، اقتصادی محقق کنیم (نصری، ۱۳۸۴: ۳۱۱ - ۳۳۶)؛ در این حالت امنیت وضعیتی تلقی می‌گردد که در آن هویت اجتماعی از آسیب مصون گردد و بنیاد روابط اجتماعی سیاسی بر پایه رضایت و نه قدرت استوار باشد، و با طرح این مفهوم (رضایت^{۱۵}) است. اولین رکن این الگو برای ایجاد امنیت پایدار این موضوع تشکیل می‌دهد، که امنیت را یک محصول فرآیند تولیدی می‌داند که ریشه در روابط اجتماعی دارد و در آن نقش اصلی با جامعه است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۲-۸۳). با توجه به این موضوع، امنیت ماهیت ایجابی و تأسیسی^{۱۶} دارد و امنیت زمانی به وجود می‌آید که جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای پاسداری از ارزش‌ها و هویت خود دست یافته باشد (کاظمی زنجیر، ۱۳۷۰: ۶-۱۱۵). بدین معنا جامعه هویتی جامع دارد که سازمان قدرت نیز درون آن معنا می‌شود، و به واسطه آن الگوی امنیت پایدار انسجام محور به جای تکیه بر قدرت محض و فهم امنیت سلبی بر بحث انسجام هویتی تولید شده در اجتماع تکیه دارد. این انسجام هویتی باید مورد حمایت دولت قرار گیرد که خود ساختی از امنیت را تشکیل می‌دهد و کارگزار جامعه و در ذیل هویت اجتماعی معنا می‌یابد.

ایجاد مرجع اجتماعی بر منطقی هنجار گونه از جامعه و هویت استوار است. بر همین اساس رهیافت‌های متنوع و جدیدی از اوایل ۱۹۸۰ توسعه یافته‌اند، اما همان طور که فرهنگ روابط بین‌الملل اشاره می‌کند که گرچه معرفت شناسایی‌های جدید ایجاد شده،

¹⁵ Satisfaction

¹⁶ Establishment

ولی فرض‌های اساسی که این معرفت‌شناسی‌ها بر مبنای آن‌ها پایه ریزی شده‌اند، به ندرت در معرض آزمون و تحقیق قرار گرفته‌اند (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۲۲۹).

زمینه جمهوری اسلامی ایران

هدف اساسی این مقاله ارائه یک الگوی پیشنهادی در ارتباط با امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران است. از آنجایی که امنیت مقوله‌ای «زمینه‌وند»^{۱۷} است، یعنی اینکه آرمان‌ها ارزش‌ها و سنخیت و کم و کیف درون یک اجتماع بشری در شکل‌گیری و ویژگی مفهوم امنیت تأثیر بسزایی دارد، سیاست‌گذاری امنیتی یا ارائه الگوی امنیتی، عملی است که در محیط اجتماعی هر جامعه با هویت خاص انجام می‌گیرد که باید در ارائه الگو مورد توجه باشد. از این جهت می‌کوشیم تا با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات به ویژه مبانی اسلامی - ایمانی جمهوری اسلامی ایران، الگویی را ارائه نمایم.

انقلاب اسلامی با تکیه بر ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی با هدف والای استقرار و سیطره قوانین و موازین الهی در کلیه شئون حیات فردی و اجتماعی مردم ایران رخ داد. با پیروزی آن به رهبری امام خمینی (ره)، جوهر سیاست و به نحوه اولی منطق امنیتی را تغییر کرد. ایده جمهوری اسلامی که توسط حضرت امام خمینی (ره) طرح ریزی شده بود؛ در آن جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام همچون سایر نظام‌ها و البته با ویژگی خاص خود از جمله ابتدا بر مبانی و منابع اسلامی و دارای آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های گوناگونی می‌باشد که آن را با مسایل و موضوعات گوناگون مرتبط ساخته است (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۸). بنابراین، وقوع انقلاب اسلامی منادی گفتمان جدیدی بود که بر گزاره‌های متفاوتی مبتنی بر پیوند جامعه و حکومت، اسلام، ایران، دین و سیاست تأکید می‌کرد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۸۶-۶۷). درگفتمان جمهوری اسلامی ایران اسلام دال برتر است که با توجه به آن، نظامی است توحید محور که مرکز ثقل و پایه اصلی ارزش‌ها و آرمان‌های این نظام، اسلام به معنای مکتب می‌باشد. مکتب در این تلقی نوعی صورت بندی بینشی است که پشتوانه نظری و ایدئولوژیک تأسیس حکومت و تأمین و شیوه توزیع قدرت، ثروت و حیثیت را در جامعه تعیین می‌کند. ستون و مبنای فهم رفتار سیاسی و امنیتی در جو متافیزیکی اسلام قابل ترسیم می‌باشد. این نظام با همین اصول اسلامی توحیدی سعی در

¹⁷Contextual

ارائه سیاست در راستای آرمان‌ها، ارزش‌ها به صورت رسالت‌گرا و متعهدانه دارد. (متقی و پوستین چی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از این منظر، اسلام به عنوان کانون محوری در ساختار قدرت قرار دارد.

تلقى مکتبی از اسلام به عنوان مکتبی که اندیشه جمهوری اسلامی ایران منشعب از آن است، اسلامی است فراگفتمانی و فرانهادی که یعنی مانند نهادی مانند کلیسا نیست، مانند هوایی است که جامعه در چهارچوب آن نفس می‌کشد. به بیان دیگر، در همه حوزه‌ها و روابط اجتماعی - عقیدتی حضور دارد و دینی اجتماعی به شمار می‌آید. ولی در عین حال صرفاً چهارچوبی برای اداره زندگی نیست بلکه برنامه‌ای هدفمند برای تحول و به حرکت درآوردن جامعه به سوی مقصد عالی است که جهان شمول می‌باشد و آنچه در آن اصالت دارد مرزهای اعتقادی است نه جغرافیایی (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۶۵ و ۱۶۴). ویژگی مهم هویت این نظام آن است که اسلام در تمام شئون معرفتی و رفتاری آن نفوذ دارد و در مرکز هویت آن قرار گرفته است. که بدون شک جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک رژیم مکتبی و ایدئولوژیک بیش از دیگران به جنبه‌های ارزشی هویتی خود توجه دارد. حضرت امام به عنوان معمار اندیشه جمهوری اسلامی از منظر توحیدی به تعریف و باز تعریف مفاهیم و الگوهای روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، انسانی، خارجی، نفی شخص پرستی، نفی شخصیت پرستی، نفی لذت پرستی، ظلم ستیزی، استبداد زدایی، حریت و آزادی، مساوات و برابری، قانون و قانون‌گذاری و... پرداخته و معتقدند:

«انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه‌ی شئون جامعه سایه می‌افکند. در اسلام تنها معبود انسان و بلکه کل جهان، خداست که همه‌ی انسان‌ها باید برای او» یعنی برای رضای او «عمل کنند» (صحیفه امام، ج ۵: ۳۷۸).

ویژگی‌های امنیت در اندیشه جمهوری اسلامی

با توجه به مفهوم و تلقی اسلام به عنوان مکتب که منشأ ایده جمهوری اسلامی ایران می‌باشد یکی از مهم‌ترین خرده نظام‌های ذیل این اندیشه نظریه امنیتی است بنابراین مفهوم امنیت در این اندیشه دارای ویژگی‌های خاص ذیل می‌باشد که از مکتب امنیتی اسلام تأثیر گرفته است.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

عقیدتی - فرهنگی

تهدید ایده جمهوری اسلامی ایران، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌آید. چرا که اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی دنیا نخواهد داشت. بنابراین، مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ویژگی عقیدتی دارد. زیرا در پی استقرار و گسترش اسلام به مثابه مکتب می‌باشد و هرگونه مانع در برابر این گسترش و تهدید استقرار آن، معضلی امنیتی به شمار می‌آید. بنابراین امنیت دارای ویژگی فرهنگی است به این دلیل که رسوب و ته نشین شدن سبک زندگی مذهبی در جامعه ایرانی، که جمهوری اسلامی ایران را مستقر کرده است، تداوم امنیت و گسترش آن در گروه همین ویژگی و حفظ فرهنگ عمومی است.

بسط محور

تلقی اسلام به مثابه مکتب، سعادت انسان در کل جوامع بشری را مد نظر دارد و آن را در گروه گسترش اسلام مکتبی در سراسر جهان می‌داند. نتیجه این روایت از ایدئولوژی اسلامی ارائه الگوی نوینی از امنیت بود که سطح تحلیل آن جهان است (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴: ۴۳).

جامع الابعاد

به این دلیل که مرکز ثقل امنیت در جمهوری اسلامی ایران، اسلام به مثابه مکتبی می‌باشد که فراگفتمانی و فرانهادی است و در همه عرصه‌های زندگی انسان حضور دارد بنا به این بحث می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های اساسی مفهوم امنیت در این فضا جامع الابعاد بودن امنیت می‌باشد یعنی تمام شئون مادی و معنوی انسان را در بر می‌گیرد. بنابراین الگوی پیشنهادی ما برای این زمینه اجتماعی با این ویژگی‌های خاص مفهوم امنیت، الگوی اسلامی - ایرانی یا همان تعادل محور می‌باشد که ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد. این الگوی تعادل محور، امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی ایران را زمانی عملی می‌داند که توحید قاعده‌ای اصلی و زیربنای جامعه باشد (افتخاری، ۱۳۷۹: ۹). با توجه به این مفهوم دینی در این زمینه است که تعادل و به واسطه آن امنیت پایدار می‌شود. در ادامه کوشش می‌شود تا به مبانی، اصول و نحوه روابط و تعامل متغیرهای این الگو مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی و ریشه الگو تعادل محور

با عنایت به فلسفه سیاسی اسلام که مبنای حکومت در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، و به عنوان یک مکتب دارای مجموعه‌ای از گزاره‌های اصلی و بنیادی، که به منزله چارچوبی بر روی تمامی نظریه‌ها، رفتارها و سیاست‌های نظام حاکم است. بنابراین، مبانی و ریشه الگوی امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از گفتمان امنیتی اسلام می‌باشد و از اینرو بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام راجع به مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه آن است.

مفهوم «ایمنی»^{۱۸} در مکتب اسلام به طور ویژه‌ای مورد توجه است به گونه‌ای که در لایه‌ها و سطوح مختلف اعتقادی و رفتاری از سوی شارع رسول خدا و ائمه معصومین بدان اشاره شده است. جوهره اسلام بر «سلام» و «ایمنی» قرار دارد، چنانکه حضرت علی (ع) اسلام را مایه «امان» دانسته که هر کس در آن درآویخت به آرامش و امنیت خواهد رسید و از صفات برجسته الهی «ایمنی بخشی»^{۱۹} است. پاره‌ای از مفسران در مقام تفسیر آیه ۲۳ سوره مبارکه حشر آورده‌اند: این که در قرآن کریم از نام‌های خدای متعال به سلام یاد شده دلالت بر آن دارد که خداوند مایه سلامت و «بخشنده ایمنی» است. ایمنی، شاخص راست کرداری فرد مسلمان و ویژگی بارز سلامت شبکه ارتباطات در جامعه اسلامی به شمار می‌آید. به گونه‌ای که از قول معصوم می‌خوانیم: همانا مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در آرامش و ایمنی باشند. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۴۵۲-۴۲۵).

از آن جایی که اصل توحید نوعی تمرکز برای کل هستی تعریف می‌کند و نوعی وحدت در ورای کلیه تکثرها شناسایی می‌کند که بر مدیریت کلان هستی حاکم است، این امر موجد نوعی «آرامش»^{۲۰} و «اطمینان»^{۲۱} است که مطابق نظریات جدید و پیش رفته امنیتی، جوهره «امنیت واقعی» به شمار می‌آید. به همین دلیل، «ایمان» و «ایمنی» در منطق الهی توأمانند:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ»^{۲۲}.

¹⁸ Safety

¹⁹ Safety of

²⁰ Peace

²¹ Confidence

«کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان را به شرک نمی‌آلایند، ایمنی از آن ایشان است و ایشان هدایت یافتگانند.»

بنابراین، دین اسلام پیش شرط اساسی سلامت و امنیت اجتماع را اعتقاد به خدا می‌داند. (غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۸۳: ۴۳۵). به عبارت دیگر، «امنیت» در بستر گفتمان اسلامی جایگاه و معنایی متفاوت از جایگاه و معنای رایج آن در نظام سیاسی‌های موجود می‌یابد که گستره آن در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازمندی‌های دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان در برمی‌گیرد کاربرد واژگانی چون «اطمینان» و «سکینه»، در کنار مفاهیم سخت‌افزاری چون «عدم ترس» و «دفع خطر» دلالت بر آن دارد که امنیت پایدار واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد.

مفهوم تعادل^{۲۳}

تعادل در لغت به معنی باهم برابر شدن، با یکدیگر راست آمدن، میزان برابری (مصدر) با هم برابر شدن، راست آمدن و همتا بودن است. این مفهوم بیشتر در فیزیک کاربرد دارد و هنگامی که جسمی همه نیروهای وارد بر آن برابر صفر باشد می‌گویند در تعادل قرار دارد. بیشتر این واژه با مفهوم «پایدار^{۲۴}» به کار برده می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت تعادل، در مفهومی وسیع به وجود نوعی توازن، میان تعدادی از پدیده‌های وابسته به هم دلالت می‌کند. این توازن ممکن است آشکار و یا صرفاً پنهان و از لحاظ عینی امری واقعی یا تخیلی و نیز ایستا و یا پویا باشد (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۱۶۷).

از دیدگاه جامعه‌شناسان، تعادل در بعد اجتماعی آن به معنای وجود توازن رفتاری افراد در چارچوب قواعد حاکم و تنظیم‌کننده خواست‌های اجتماعی است. از تعادل یک جامعه یا فرهنگ، جهت مشخص ساختن پیوستگی انسان و محیط اجتماعی یا فرهنگی او و همچنین به منظور درک اینکه آیا مجموعه اجتماعی یا فرهنگی از نیروی درونی به منظور ثبات و تداوم و انطباق برای پا برجا ماندن برخوردار است یا نه، استفاده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۰۳ - ۷۰۲). در این الگو جامعه همچون سازه‌ای مرکب در نظر گرفته

²³ Balance

²⁴ Stable

شده است که این سازه اگر بر قاعده اصلی خود قرار داشته و بنا شده باشد در این صورت در حالت تعادل قرار دارد و حتی با وجود فشار بیرونی (تهدید) اگر به صورت موقت از تعادل خارج شود به علت اینکه در قاعده اصلی خود بنا شده است دوباره به حالت اولیه و انسجام خود بر می‌گردد.

الگوی تعادل محور و امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که اشاره شد مبانی الگوی تعادل محور با توجه به هویت جمهوری اسلامی ریشه در مبنای گفتمان اسلامی امنیت دارد. قبل از پرداختن به این الگو در این گفتمان باید به این موضوع مهم اشاره کنیم، هرچند قصد ما ارائه الگوی بومی از امنیت پایدار می‌باشد، اما این موضوع به این معنی نیست که تجربیات مکاتب و الگوهای که مبانی و شاخص‌های آن‌ها علی‌القاعده از عقل بشری بیرون آمده است مورد تأیید نیست.

با توجه به بحث تعادل اجتماعی این موضوع مطرح می‌شود که این مؤلفه‌ها باید بر روی قاعده اصلی پایه‌گذاری شوند تا بتوانند ایجاد ثبات و پایداری کنند ولی به تنهایی نمی‌توانند مبانی ایجاد امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باشند. همین‌طور امروزه در بحث شیوه‌های عدم تعادل اجتماعی و در نتیجه ضعف امنیت پایدار در کشورهای اسلامی را باید از نگرش الگوی غربی دانست که بر روی قاعده درست خود بنا نشده است، و منجر به سرگردانی می‌گردد. بنابراین، پایداری امنیت در گفتمان اسلامی در مکتب امنیتی اسلام به عنوان یک گفتمان مستقل که الگوی جمهوری اسلامی ایران منشعب و زیر مجموعه‌ای از آن است روی شاخص‌های دیگری بنا شده است، در این گفتمان بحث پایداری معنای خاص دارد و با گفتمان دیگر مکاتب موجود، متفاوت است. همان‌طور که در قسمت مبانی این الگو نیز اشاره شد توحید و ایمان ارتباط مستقیمی با مفهوم امنیت دارند و قاعده اصلی که سازه امنیتی در این الگو در آن استوار می‌شود «اصل توحید» است. بر این اساس به نظر می‌رسد پشتوانه موجودیت و ایجاد کننده امنیت در نظام جمهوری اسلامی به منزله یک نظام مکتبی نوعی از «سبک زندگی»^{۲۵} است که باید مورد تبلیغ و سرمایه‌گذاری قرار بگیرد و نهادینه شود. با تداوم رفتار و زیست در چهارچوب آن، باعث باز تولید مکتب و مؤلفه‌های آن می‌شود و تداوم آن را تضمین می‌کند (دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۷۵). پس در این

²⁵ Life Style

الگو امنیت حالت ایجابی دارد، و باید از درون اجتماع با توجه به بحث هویت دینی ساخته و پرداخته شود. اصل این بحث به این موضوع برمی گردد، یک جامعه مکتبی با ایدئولوژی اسلام که اصل توحید در مرکزیت آن قرار دارد، چه در حوزه سخت افزاری، چه در حوزه نرم افزاری امنیت، زمانی به پایداری و استحکام می‌رسد که با توجه به رسالت امنیتی و تربیت امنیتی انسان‌هایی پرورش پیدا کنند که واقعاً به توحید به مثابه اصل تعادل کننده ایمان داشته باشند و دچار شرک امنیتی نباشند و انسجام خود را در پیوند با این اصل بدانند. در این حالت جامعه همانند یک سازه‌هندسی در قاعده تعادل خود استوار شده است و امنیت به عنوان یک کالای اجتماعی برآمده از این رضایت جامعه در حالت پایدار قرار می‌گیرد.

در این الگو حقانیت، «مشروعیت»^{۲۶} و پذیرش از اهمیت خاصی برخوردار هستند، که تفاوت‌های اصلی این الگو را با سایر الگوها و مکاتبی که بر اهمیت اجتماعی امنیت و باز تولید هویتی تاکید دارند در این موضوع نهفته است. جامعه‌ای که می‌پذیرد اسلامی باشد باید شالوده خود را بر پایه ارزش‌های الهی پی‌ریزی کند، و بیش از هر چیزی بایدگفتمان توحیدی در تمام ارکان آن هویدا باشد.

ارکان الگوی پیشنهادی (تعادل محور)

توحید

توحید مبین ولایت حقیقی و حاکمیت واقعی الله بر تمام جهان و انسان است و هیچ کس و هیچ چیز در جهان مستقل از قدرت خدا، اراده، اختیار، سلطه، حاکمیت، تدبیر و مشیت او وجود ندارد. حاکمیت مطلق در عالم تکوین و تشریح از آن اوست. این مفهوم مهم‌ترین ارزش کانونی نظام جمهوری اسلامی نیز می‌باشد که در همه منابع معتبر آن مورد تاکید واقع شده است.

تعادل اجتماعی

تعادل اجتماعی بیان کننده شیوه بدیعی است که یک گروه یا جامعه - در جهت ایجاد سازمانی برای ارضای نیازهای فردی و جمعی، تمهید نهادهایی منطبق با شرایط نو و انجام کارکردهای گوناگون حیات جمعی - به کار می‌برند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۵۴). مفهوم تعادل با

²⁶ Legitimacy

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداو ۱۳۹۳

ثبات و پایداری در یک جامعه رابطه بسیاری نزدیکی دارد و جامعه که دارای تعادل باشد لزوماً دارای ثبات نیز می‌باشد. در بحث تعادل اجتماع و ایجاد آن همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد ارزش‌های اساسی در هر جامعه و نظام سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در مورد جمهوری اسلامی ایران اصل توحید در کانون ایجاد تعادل قرار دارد و تا زمانی که این ارزش زیر بنای تعادل باشد جامعه در ثبات قرار دارد.

ایمان

منظور از ایمان یعنی اعتقاد به همان اصل اساسی توحید در همه امور فردی و جمعی در نظام جمهوری اسلامی چنین اعتقادی زمینه توحید باوری با عنوان اصل اساسی و تعادل اجتماعی را فراهم می‌آورد.

تربیت

تربیت پایه و اساس هر گونه اقدام و برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاسی می‌باشد که کم و کیف تربیت آحاد جامعه به شکل‌گیری نوع خاصی از مفاهیم، پدیده‌ها و ساختارها منجر می‌شود (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۶۰-۱۲۳). آنچه موجب بقاء و تداوم ارزش‌های اساسی می‌گردد، نوعی تربیت دینی، فرهنگ و باوری است که در افراد آن جامعه به وجود می‌آید تا در بهترین شرایط، زمینه پایداری را فراهم شود. بنابراین از این دیدگاه تربیت رکن اصلی جامعه سازی می‌باشد. ما در این الگو از واژه تربیت دینی استفاده می‌کنیم که منظور ما این است که دین نوعی سبک زندگی است و تربیت دینی فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می‌سازد (هاونگی ۱۳۸۴: ۴۱۰-۳۸۷). پس جهت تربیت در جامعه ایرانی باید ایمان به توحید باشد که باعث باز تولید آن به منزله ارزش اساسی که زیربنای تعادل در جامعه است شود که نهاد های آموزشی در باز تولید و اجتماعی شدن این اصل نقش اساسی دارند.

مشروعیت

مشروعیت یکی دیگر از ارکان این الگو است، که از دو جنبه قابل بررسی می‌باشد؛ یکی به این موضوع اشاره دارد، که با توجه به اعتقاد توحیدی در کانون ارزش‌ها، این الگو از نوعی

مشروعیت برخوردار است و نشان می‌دهد کارکرد آن بیشتر به محتوای آن بر می‌گردد؛ و دوم به بحث تربیت دینی و پذیرش توسط شهروندان مربوط می‌شود.

ویژگی های امنیت در الگوی امنیت پایدار تعادل محور

امنیت به عنوان مفهومی ایجابی تا سلبی

در این الگو نگاه به مفهوم امنیت بیشتر ایجابی می‌باشد که با تکیه بر مفهوم تربیت دینی قصد امنیت سازی در اجتماع دارد. بنابراین، می‌توان گفت مبنای امنیت بر رضایت و پذیرش استوار شده است و هدف گذاری‌ها برای تحقق جامعه‌ای امن و بر مبنای مقولاتی همچون تعادل اجتماعی، انضباط، آسایش، جامعه‌پذیری و... می‌باشد.

امنیت به عنوان مفهومی اجتماعی

در این الگو با توجه با رویکرد ایجابی و بحث تربیت دینی امنیت یک مفهومی اجتماعی است و مبنای آن در جامعه ساخته و پرداخته می‌شود و زمانی امنیت در این الگو پایدار می‌شود که جامعه‌ای با توجه به بحث تربیت دینی که مبنای آن توحیدی است اجتماعی شود و همگن با هویت در درون این اجتماع عمل کند.

تهدید نرم مقدم بر تهدید سخت

در این الگو با توجه به اینکه توحید اصل اساسی محسوب می‌شود و در کانون تعادل اجتماعی قرار دارد و ثبات و امنیت به حفظ آن بستگی دارد، بنابراین هر عملی که تحول یا تغییری در آن ایجاد کند تعادل اجتماعی را برهم می‌زند. پس تهدید نرم یا به «جنگ نرم»^{۲۷} در این الگو از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد.

امنیت به عنوان یک مقوله تربیتی

امنیت در این الگو مقوله‌ای آموختنی و تربیتی است، و مقوله‌های سیاسی و نظارتی و اجباری با توجه به اصل تربیت معنی و جهت پیدا می‌کند.

²⁷ Soft War

ایمان به عنوان یکی از مشتقات امنیت

آدمی در پرتو ایمان به آرامش و صلح و امنیت درونی و بیرونی می‌رسد. مؤمن هم «سوژه» وهم «ابژه» امنیت است. به بیان دیگر، مؤمن همان کسی است که خود را با امنیت رسانیده و در پرتو آن در عالم درونی و بیرونی آرام و قرار یافته است. از این منظر نوعی هم پوشانی و انطباق معنی‌دار و تنگاتنگ میان ایمان و جامعه امن وجود دارد (تاجیک، ۱۳۸۱: ۸۲-۷۵).

مزایا الگوی امنیت پایدار تعادل محور

تاکید توأمان بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و واقعیات

در این الگو تاکید توأمان بر ارزش‌ها، آرمان‌ها و واقعیات وجود دارد. توحید به منزله ارزش اساسی جمهوری اسلامی محور تعادل اجتماعی است و آرمان‌ها و اهداف حول آن شکل گرفته‌اند که تربیت دینی راه حل اجرا شدن آن‌ها در جامعه می‌باشد. پذیرش شاخص‌های الگوهای رایج امنیت پایدار از آن جهت که برآمده بر عقل و تجربه بشری هستند و بخشی از واقعیت مربوط به پایداری امنیت را بیان می‌کنند.

تحقق نظم مبتنی رضایت و مشروعیت

از آنجایی که ایدئولوژی سیاسی اسلام مبنای حکومت است، پس طراحی الگویی که اصل توحید در کانون آن قرار دارد دارای نوعی مشروعیت کاربردی است؛ در این الگو اصل تربیت دینی در اجتماع و تکیه بر مردم برای مشارکت در ایجاد امنیت، مطابق رضایت معنی می‌دهد. یعنی مطابق ملازمت اصول اسلامیت و جمهوریت می‌باشد.

اعتبار به واسطه بومی بودن و کارایی

از آنجایی که امنیت سازی یک مفهوم اجتماعی است که در هر زمینه اجتماعی خاص می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد، در این الگو از دو جهت بومی بودن بر آن صدق می‌کند، اول توجه به مؤلفه‌های اساسی شکل دهنده نظام جمهوری اسلامی ایران مانند اصل هستی شناختی، ارزش‌ها، آرمان‌ها و هویت در ارائه الگوی، دوم در جهت ارائه الگوی پیشنهادی برای این زمینه از مؤلفه‌های بومی از جمله توجه به اصل ایمان و توحید و نقش تربیت دینی استفاده شده است.

نتیجه گیری

هدف اساسی فصل نوشتار، شناسایی الگوی مناسب در ارتباط با امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران بود. الگویی که از طریق به کارگیری آن قادر باشد تا به بهترین نحو، امنیت خویش را در عصر پرتلاطم کنونی پایدار نماید. ما برای طراحی این الگو، ابتدا به شناسایی و بررسی الگوهای رایج امنیت پایدار پرداختیم. مشخص شد هرچند این الگوها بخشی از واقعیت امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌کنند و می‌توانند به عنوان یکی از ارکان الگوی امنیت پایدار در این نظام مطرح باشند، اما نمی‌توانند به عنوان یک الگوی منحصر به فرد مبنایی برای پایداری امنیت باشند. در ادامه به این موضوع اشاره شد که جمهوری اسلامی، نظامی است توحید محور با مرکزیت اسلام به منزله مکتب و ایدئولوژی سامان دهنده به همه امور از جمله بحث امنیت می‌باشد که ویژگی‌های امنیت نیز متأثر از این اصل می‌باشد. با توجه به نکات یاد شده و با بهره‌گیری از مفهوم تعادل و تعادل اجتماعی، به ارائه الگوی مورد نظر پرداختیم. بر اساس این الگوی پیشنهادی، هر جامعه‌ای دارای ارزشی کانونی است که نقطه ثقل تعادل در آن جامعه محسوب می‌باشد و مادام که آن ارزش نقش موثر خود را در کارکردهای اجتماعی دارد و تغییر و تحولی در آن اتفاق نمی‌افتد، جامعه حالت تعادل و ثبات خود را در بلند مدت حفظ می‌کند. این ارزش کانونی در جمهوری اسلامی ایران اصل توحید می‌باشد. بنابراین، الگوی پیشنهادی ما دارای پنج رکن اساسی توحید، تعادل اجتماعی، ایمان، تربیت و مشروعیت بود. تا زمانی که ایمان به توحید در همه عرصه جامعه وجود دارد جامعه در تعادل و ثبات قرار دارد. بنابراین از راهبرد تربیتی و اصل تربیت دینی برای باز تولید این اصل در جامعه باید استفاده نمود. بنابراین مادامی که توحید در کانون تعادل و ارزش اساسی در این اندیشه محسوب می‌شود و زیربنای سازه امنیتی در جمهوری اسلامی ایران است و تهدیدی نسبت به تغییر یا تضعیف آن وجود ندارد، امنیت در هويت جمهوری اسلامی ایران پایدار می‌باشد. برای تقویت یا باز تولید آن، راهبرد تربیت دینی در چند بعد در نهادهای تربیتی رسمی و غیر رسمی باید پیگیری شود. پس می‌توان گفت الگوی که می‌تواند مبنای امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران باشد الگوی تعادل محور است. هرچند شاخص‌ها و یا مؤلفه‌های الگوهای دیگر نیز می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد ولی مبنای اصلی با الگوی تعادل محور با راهبرد تربیتی می‌باشد.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی معنایم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، امنیت در حال گذر (تحول معنایی امنیت در قرن بیستم یکم)، فصلنامه مطالعات راهبردی سال سوم شماره ۱۴.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، ساخت دولتی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه و گرد آوری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، کالبد شکافی تهدید، تهران: دوره عالی جنگ دانشگاه امام حسین (ع).
- افتخاری، اصغر، نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، جامعه امن در گفتمان خاتمی. تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۱)، مقدمه ای بر استراتژی امنیت ملی ج. ا. ا. رهیافت‌ها و راهبردها ج اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۸۴)، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی (مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۸۷)، نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب دوم)، تهران: کیهان.
- عباس زاده، هادی، کرمی، کامران (بهار ۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۵۱.
- عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۸۳)، غررال حکم و دررال کلم. ترجمه محسن موسوی، قم: دارالحدیث.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۳)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- کاظمی زنجیر، علی اصغر (۱۳۷۰)، تنازعی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تهران: قومس.
- مجید کاشانی (۱۳۸۴)، نقش نهاد های آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی، تهران: مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، انتشارات آشنایی.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداو ۱۳۹۳

متقی، ابراهیم، پوستین چی، زهره (۱۳۹۰)، الگوها و روندها در سیاست خارجی ایران. قم: دانشگاه مفید.

مطهری نیا، مهدی (۱۳۸۴)، دیرینه شناسی و تبارشناسی گفتمان امنیت در ایران، تهران: پرسمان. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. نصری، قدیر (۱۳۸۴)، جامعه شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۸.

نوید نیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. هاونگی، حسین (۱۳۸۲)، تربیت دینی و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: گلیونه.

Schuman F. International politics, Fourth edition. New York: McGraw – Hill, 1954

Morgenthau H. politics Among Nations: The Struggle For power and peace. New York: Knopf, 1948

Klaus D. Geopolitics In a Changing World. London: Prentice Hall, 2000

Wrong D, The Problem of Order. Cambridge Harvard University, 1994

Maclaren V.W. Urban Sustainability Reporting. Journal of American Planning Association 1996 Spring, Vol(62)